

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ع. شفق
۰۶ جون ۲۰۲۲

آبشخور شعارهای ارتجاعی پروسلطنتی در جنبش اخیر!

در هفته های اخیر، انفجار دوباره خشم و نفرت توده ها علیه سرمایه داران حاکم و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، باعث ظهور موج نوین و امیدوار کننده ای از خیزش گرسنگان با خواست سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد تغییرات بنیادین در مناسبات استثمارگرانه حاکم بر جامعه تحت سلطه ما شد.

پس از آن که دولت رئیسی جلاد در راستای پیشبرد اصلاحات اقتصادی مورد نظر امپریالیست ها و نهادهای امپریالیستی "ارز ترجیحی" را ملغا نمود و گام دیگری برای انجام آنچه که "بزرگترین جراحی اقتصادی" در نظام سرمایه داری حاکم بر ایران به نفع سرمایه داران خارجی و داخلی نامیده شده، برداشت، و متعاقب این عملکرد که باعث انفجار قیمت ها شد، ده ها شهر کشور از مناطق حومه تهران گرفته تا چهارمحال بختیاری، ایذه، اندیشک، نیشابور، رشت، بروجرد و ... به صحنه خیزش توده های ستمدیده و نبرد آنها با رژیم فاسد و دزد جمهوری اسلامی بدل گردید.

صدها هزار تن از مردم به جان آمده که کارگران و زحمتکشان محروم استخوانبندی اصلی آن را تشکیل می دهند، در ده ها نقطه کشور به خیابان ها ریختند و با فریادهای "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور"، "توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه"، "جمهوری اسلامی، نمی خوام، نمی خوام"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه" و ... بر خواست های بر حق خویش که چیزی جز یک انقلاب اجتماعی و تغییر بنیادین در ساختار پوسیده نظام سرمایه داری حاکم بر ایران نیست مهر تاکید دوباره زدند. جدا از این شعارها، توده های به پا خاسته با آتش زدن تصاویر رهبر جلاد جمهوری اسلامی، با حمله به نهادهای سرکوب و ارگان های دولتی و به آتش کشیدن مراکز ستم و ظلم طبقه حاکم یکبار دیگر در عمل نشان دادند که به رغم جنایات توصیف ناپذیر سران جمهوری اسلامی در سرکوب خیزش های توده ای سلسله وار در سال های اخیر، به رغم قتل عام مردم در قیام های سال ۹۶ و ۹۸ و به رغم دستگیری و شکنجه و اعدام هزاران تن از مردم به پا خاسته در این خیزش ها، جامعه تحت سلطه ما به دلیل شرایط مادی تحمل ناپذیری که سرمایه داران حاکم و رژیم مدافع آنها بر حیات و هستی خلق های تحت ستم حاکم کرده اند تشنه یک انقلاب اجتماعی برای نابود کردن بنیادها و ارکان سیستم پوسیده حاکم و برقراری یک نظم نوین می باشد. در چنین بستری تشدید ناگزیر و روزافزون تضادها و تداوم بحران جاری در کشور ما به مشخصه اصلی شرایط جاری تبدیل گشته و آینده نامعلومی برای رژیم جمهوری اسلامی رقم زده است.

سیاست اصلی جمهوری اسلامی و سرمایه داران حاکم همچون ۴۳ سال گذشته برای برون رفت از این بحران اعمال وحشیانه سرکوب عریان توده های به پا خاسته است. اما جدا از این سیاست ما شاهد تشدید سایر تلاش های اهریمنی دشمنان رنگارنگ مردم (یعنی امپریالیست ها و نیروهای وابسته و جیره خوار آن) می باشیم که همزمان با سرکوب فیزیکی توده های به عصیان برخاسته، به منظور تضعیف مبارزات جاری و به انحراف بردن آن به تاکتیک های ضد خلقی و تلاش های اهریمنی رنگارنگی علیه جنبش انقلابی گرسنگان دست یازیده اند. به طور مثال در بحبوحه خیزش اخیر ما شاهد انتشار اخباری مبنی بر طرح و تشویق برخی شعارهای ارتجاعی مبنی بر طرفداری از سلطنت نظیر "رضا شاه روح شاد" در صفوف جنبش، توسط وزارت اطلاعات اهریمنی جمهوری اسلامی می باشیم. مطابق این گزارشات که به طور وسیعی در رسانه های اجتماعی و برخی سایت های اینترنتی منعکس شده، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی علاوه بر سرکوب بی دریغ و وحشیانه حرکات توده ها توسط ماشین جنگی خود یعنی پاسداران و ارتش ضد خلقی، ضمن صدور "دستورالعمل هایی" به مزدوران اطلاعاتی رسمی و غیر رسمی خویش و ارسال آنان به میان تجمعات مردمی خواهان نفوذ نامحسوس نیروهای خودی در میان جمعیت تظاهر کننده شده اند و به آنان رهنمود داده اند که در صورت مشاهده رادیکال شدن شعارهای تظاهر کنندگان علیه نظام و شخص رهبر، در جهت تغییر شعارهای مردمی حرکت کنند و به خصوص به سردادن شعارهایی به نفع سلطنت بپردازند.

بر اساس این اخبار، مزدوران وزارت اطلاعات موظف شده اند تا با پیوستن و "تردد عادی" در میان جمعیت اولاً به "شناسایی لیدرهای" تظاهرات پرداخته و "در صورتی که شعارها علیه نظام و رهبری و سپاه، تند و رادیکال شود، شعارهایی نظیر رضاشاه روح شاد، مرگ بر رئیسی، شعارهایی علیه گرانی و چند شعار اعتراضی دیگر که قبلاً در اختیار آنها قرار داده شده، سر دهند و مردم را به دادن این شعارها تشویق کنند" مطابق همین دستورالعمل ها مزدوران رژیم باید در جریان تظاهرات" به هر شکل ممکن، جمعیت را از مراکز حساس مانند فرمانداری، استانداری، صداوسیما، مخابرات و پایگاه های بسیج دور کنند".

در این دستورالعمل های ضدانقلابی و چند وجهی، موارد دیگری از جمله رهنمود برای حمله به مساجد به منظور دور کردن مردم از مراکز حساس امنیتی و ایجاد خسارت به ماشین ها و ساختمان های متعلق به مردم و سوق دادن جمعیت به درگیری با نیروهای سرکوبگر در شرایطی که امکان مقابله با آنها را ندارند و ... وجود دارند.

یکی از مواردی که در این دستورالعمل ها جلب توجه می کند تلاش برای انحراف شعارهای انقلابی و واقعی مردم و طرح شعارهای ارتجاعی طرفداری از سلطنت در جنبش ضد رژیم است که ممکن است برخا در اینجا و آنجا به طور محدود و از سر ناآگاهی توسط عده ای هم سر داده و یا تکرار گردند. اما برخلاف همه این تلاش های ارتجاعی، مشاهده فیلم های منتشره راجع به این شعارها و گزارشات مستقل مردمی نشان می دهند که شعارهای پرو سلطنت اکثراً با عدم استقبال توده ها مواجه گشته اند. اما این عدم استقبال توده ای مانع از تلاش برای پیشبرد سیاست ضد انقلابی فوق الذکر توسط طراحان جنایتکار آن نمی گردد. پرده دوم و مهم تر این کمپین ضد انقلابی، عمده کردن و آگران دیسمان کردن گاه و بیگاه دامنه ناچیز همین شعارهای ارتجاعی و از قبل طرح ریزی شده توسط دشمنان مردم در رسانه های عمده فارسی زبان برون مرزی در افکار عمومی در داخل کشور است که مستقیم و غیرمستقیم ولی بدون هیچ شبهه ای از آبخور امپریالیسم و ارتجاع تغذیه می کنند. در چارچوب چنین پروژه مسمومی، کافی ست که مطابق رهنمودهای وزارت اطلاعات رژیم، و یا حتی بر بستر نادانی و ناآگاهی تعداد معدودی از "تظاهر کنندگان" در جایی شعار ارتجاعی "رضا شاه روح شاد" و یا شعارهای مشابه سر داده شود؛ آنگاه سیل تبلیغات دروغین مبنی بر این که گویا

هزاران تظاهر کننده ضد حکومتی به طرفداری از نظام سلطنتی شعار دادند از سوی بلندگوهای وابسته به طور روزمره تکرار و تکرار گشته و در راس خبرهای بنگاه های خبری ارتجاع قرار می گیرد!

به این ترتیب در یک عقد نانوشته، در جهت حفظ وضع موجود و به واقع حفظ سیستم سرمایه داری در ایران، وزارت اطلاعات مخوف جمهوری اسلامی دست در دست رسانه ها و تلویزیون های معلوم الحال، وابسته و دروغپردازی نظیر "من و تو"، "ایران اینترنشنال" و "بی بی سی" و "صدای آمریکا" یک پروژه ارتجاعی علیه جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان و خلق های تحت ستم ایران را کارگردانی و به پیش می برند و می کوشند که با سرمایه گذاری روی خشم و نفرت به حق طبقات استثمار شده از رژیم جمهوری اسلامی برای باصلاح آلترناتیوهای دیگر امپریالیست ها و سرمایه داران حاکم در میان محرومان بازارگرمی کنند. واضح است که این سیاست جز در خدمت حفظ و بقای نظام حاکم یعنی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران با یا بدون جمهوری اسلامی نبوده و نخواهد بود.

در رابطه با کارزاری که به نفع زمینه سازی و عمده کردن شعارهای ارتجاعی پرو سلطنت شاهد آن هستیم، جوانان مبارز، روشنفکران و نیروهای آگاه جامعه باید به چند نکته مهم که بر پیشبرد و تعمیق جنبش توده ای موثرند توجه کنند.

اولا در بحران جاری، نیروی مادی و محرک شعارهای پرو سلطنت، نه توده های محروم، نه کارگران زحمتکش و بی چیز، نه گرسنگان و گورخوابان، نه کودکان کار و خیابانی و نه هیچ یک از طبقات استثمار شده توسط سرمایه داران حاکم و امپریالیست ها نیستند. شعار ارتجاعی بازگشت سلطنت کمترین خوانایی ای با خواست ها و مطالبات اصلی مردم ما یعنی برقراری یک نظام دموکراتیک متضمن نان، کار، مسکن و آزادی ندارد. برعکس، منبع نشر و تبلیغ و گسترش این شعارها کمپ دشمنان اکثریت عظیم توده های استثمار شده و رنجیده ماست که یک شاخه آن در دستگاه های تبلیغاتی خود نظام و رژیم جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات و اتاق های فکر آن قرار دارد و شاخه دیگرش در رسانه های وابسته خارج کشوری که در جریان جنبش های جاری برای مردم ما اشک تمساح ریخته و به اسم مخالفت با جمهوری اسلامی و باد کردن در جثه نحیف سلطنت در واقع در صدد آماده کردن شرایط تداوم اسارت همین توده های به پاخاسته در سناریوهای محتمل بعد از رژیم جمهوری اسلامی هستند. خوشبختانه کار سیاسی و آگاهگرانه نیروهای چپ و انقلابی از یک سو و رشد آگاهی سیاسی در میان توده ها به ویژه در میان پیگیرترین دشمنان سرمایه داران و امپریالیست ها یعنی کارگران و جوانان آگاه و مبارز تاکنون نقشه ارتجاع در فریب توده ها را نقش بر آب کرده است. دلیل روشن این امر ظهور و گسترش وسیع شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر" در قیام های توده ای سال های اخیر بوده است. (۱)

دوم آن که با ورود هر چه گسترده تر ستمدیده ترین و انقلابی ترین طبقه و اقشار تحت ستم یعنی طبقه کارگر و زحمتکشان به میدان مبارزه با جمهوری اسلامی و بر بستر گسترش رادیکالترین اعمال انقلابی توده ها، گفتمان انقلاب در سطحی هر چه وسیع تر به گفتمان غالب در جامعه تبدیل گشته است. در چنین شرایطی تبلیغات پروسلطنتی ارتجاع بیش از آن که منعکس کننده شانس دوباره قدرت یابی آلترناتیو به زباله دان تاریخ فرستاده شده سلطنت در فردای جمهوری اسلامی توسط امپریالیست ها باشد در خدمت مقابله با طبقه کارگر، در خدمت زائل کردن پراتیک انقلابی توده ها، در خدمت منحرف کردن مسیر جنبش انقلابی جاری، در خدمت مخدوش کردن خواست ها و مطالبات رادیکال توده های محروم و به حاشیه راندن شعارهای برحق آنان علیه کل نظام سرمایه داری موجود و خواست "نان، کار، آزادی" و سرگرم کردن نیروهای آگاه و روشنفکر جامعه به نبرد در یک جبهه فرعی ست.

تجربه انقلاب سال های ۵۷-۵۶ نشان داد که امپریالیست ها سرنوشت خود را با سرنوشت سگان زنجیریشان در جوامع تحت سلطه ای نظیر ایران پیوند نمی زنند. مساله اصلی برای امپریالیست ها این دشمنان اصلی مردم ایران حفظ نظام سرمایه داری حاکم و نه الزاماً رژیم سیاسی موجود حافظ آن می باشد؛ و درست به همین دلیل بود که دیدیم آنها هنگامی که قدرت جنبش انقلابی مردم ما را در نیمه دوم دهه ۵۰ دیدند، با یارگیری جدید، شاه، این نوکر خانه زاد خود را مانند موشی مرده به زباله دان پرتاب کردند و قدرت خود را در پشت عبا و عمامه دار و دسته فریبکار و مزدور خمینی قرار دادند.

در راستای پیشبرد این سیاست ضد انقلابی، همه شاهد بودند که دستگاه های سرکوب امنیتی رژیم شاه، در سال های آخر عمر این رژیم، چگونه به هر آخوند مرتجع در مساجد اجازه تبلیغ و ایجاد تجمع علیه حکومت شاه را می دادند و در همان حال بهترین جوانان فدایی و مبارز این مملکت و مدافعان راستین طبقات زحمتکش و محروم را به جرم داشتن یک کتاب کمونیستی و ممنوعه و یا یک اطلاعیه سازمانی به صلابه می کشیدند. چرا که در شرایط بحران انقلابی، برای حفظ سیستم سرمایه داری وابسته حاکم از ضربات توده های انقلابی به نفع امپریالیسم، به روحانیون مزدور، این سگان زنجیری جدید فضا می دادند تا با شعارهای انحرافی مذهبی و سوارکردن آنان بر جنبش توده ها، انقلاب مردم را به بیراهه برده و نظام سرمایه داری را در فردای پس از انقلاب حفظ کنند. همین تجربه امروز در تلاش های امپریالیست ها و مزدوران آنان در بازار گرمی برای نظام سلطنتی مشهود و هویداست. سیاست تبلیغ شعار ارتجاعی سلطنت در چارچوب پیشبرد همین سیاست ضد انقلابی یعنی حفظ نظام سرمایه داری حاکم صورت می گیرد.

با توجه به واقعیت های فوق، مهمترین درسی که از تلاش های ارتجاعی اخیر و به طور مشخص تلاش های طرح ریزی شده در وزارت اطلاعات نظام برای تبلیغ و اگراندیسمن شعارهای پروسلطنت می توان گرفت این است که توده های تحت ستم و دلاور ایران باید دشمن اصلی خود یعنی امپریالیسم و سگان زنجیریش را در هر لباس و شکلی بشناسند و افشاء کنند. باید از تجارب تاریخی آموخت که رژیم های مزدور شاه و جمهوری اسلامی تنها شکلی از سلطه سرمایه داران خارجی و داخلی بر حیات و هستی مردم ما و نهایتاً پاسدار نظامی هستند که عامل اصلی تمام نابرابری ها، مظلالم، غارت و استثمار و سرکوب کارگران و خلق های تحت ستم ما می باشد. در نتیجه هدف نهایی جنبش انقلابی جاری باید محو سلطه امپریالیسم و نابودی نظام استثمارگرانه حاکم از طریق یک انقلاب اجتماعی باشد که با ایجاد پایه های یک نظام دموکراتیک به رهبری طبقه کارگر زمینه های مادی استثمار، سرکوب و بی حقوقی توده های محروم را از بین ببرد. شعارهای ارتجاعی پرو سلطنت نظیر "رضا شاه روحت شاد" برای مقابله با چنین انقلابی طرح و سر داده می شوند.

زیرنویس ۱: در رابطه با افشای ماهیت واقعی حکومت شاه رجوع کنید به مقاله "سلطنت، آلترناتیوی ارتجاعی و ضد مردمی" در پیام فدایی شماره ۲۵۳، مرداد ۱۳۹۹

<https://siahtkal.com/>